



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی ویژگی‌های حقوقی اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری در قراردادهای منعقد

## بین‌المللی نفت و گاز ایران

اکرامت اله روئین تن<sup>۱</sup>

۱- کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه پیام نور واحد بین‌الملل عسلویه

### چکیده

بررسی کلیه قراردادهای بین‌المللی نفتی ایران از بدو انعقاد قرارداد امتیازی ۱۹۰۱ داری تا کنون و شناخت ویژگیهای نظام حقوقی هر یک و قیاس آنان با یکدیگر و همچنین مقایسه با قراردادهایی که سایر کشورهای نفت‌خیز در آن زمینه منعقد نموده‌اند نظر به عنوان این رساله که قراردادهای بین‌المللی نفت را مورد بررسی قرار می‌دهد لذا نمونه‌گیری افراد موضوعیت نداشته بلکه انواع قراردادهای داخلی و خارجی در زمینه نفت و گاز به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش با بکارگیری دو روش توصیفی و تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای (استفاده از کتب، اسناد و مقالاتی که از مجلات حقوقی و شبکه جهانی اطلاع‌رسانی اینترنت دریافت شده است و با توجه به مصاحبه‌ها، جوابیه‌های کارشناسان و مسئولین وزارت نفت با ذکر زیرنویس مستند گردیده) تدوین شده است. بدیهی است با بهره‌برداری بهینه از این نعمات سرشار خداوندی که از جمله به سرزمین ما نیز اعطاء فرموده است به گونه‌ای انعقاد قراردادهای بین‌المللی اقدام ورزیم که حاوی شرایط جامع و در بر دارنده حداکثر منافع ملی با بهره‌برداری مناسب متضمن حفظ و توسعه میادین بوده و با دستیابی به آخرین فن‌آوری روز و انتقال دانش و آموزش نیروی انسانی داخلی به مسئولیت خود در قبال نسل آینده تداوم بخشیم.

**کلیدواژگان:** ویژگی‌های حقوقی، اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری، قراردادهای بین‌المللی، نفت و گاز ایران

### مقدمه :

به دلیل اهمیت نفت که یک منبع حیاتی است قراردادهای منعقد نفتی نیز از اهمیت خاصی برخوردار است، اینکه اکثر قرارداد های نفتی جنبه بین‌المللی دارد لذا این قرار دادها بویژه با توجه به تحولات سیاسی و اقتصادی در جهان درخور تغییرات و دگرگونی‌هایی بوده است که هر کدام از جنبه‌های خاصی حائز اهمیت و مطالعه می‌باشد، از بررسی ابتدایی ترین



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

قرار داد های نفتی که تحت عنوان “امتیاز Concession” با دولتهای صاحب نفت به امضاء می رسیده تا قرار دادهای متداول امروزی می تواند زوایای مختلف این قرار دادها را مشخص نماید، لذا این رساله بر آن است که به بررسی تطبیقی قرار دادهای بین المللی نفتی ایران با قرار دادهای نفتی سایر کشور ها بپردازد و ابعاد مهم حقوقی آنها را مشخص و مقایسه نماید، به منظور تحقق واقعی این بررسی تطبیقی ابتدائاً بر آن می‌باشم که به تعریف کلی و سپس بررسی ویژگی های قرار دادهای بین المللی نفتی در کلیه مراحل سه گانه اکتشاف، تولید و بهره برداری بپردازم، در راستای نیل به این مقصود به معرفی و بررسی ویژگیهای اقسام قرار داد های بین المللی نفتی ایران اقدام گردیده و از ابتدایی ترین قرار داد امتیاز نفتی که معروف به قرار داد داری منعقد به سال ۱۹۰۱ می باشد تا آخرین نوع قرار دادهایی که هم اکنون در صنعت نفت ایران متداول گشته و به قرار دادهای “بیع متقابل Buy Back” موسوم گردیده است را تحلیل نموده لذا بررسی و ارزیابی اینگونه قرار دادهای نفت و گاز از منظر حقوق بین الملل مد نظر قرار گرفته است.

جهت تدوین این مقاله که به روش کتابخانه‌ای تهیه گردیده دو روش توصیفی تحلیلی بکار برده شده است، در آخر پایان نامه به نتیجه گیری کلی پرداخته، پس از آن “پیوستها” شامل جداولی که در متن رساله به آنها اشاره گردیده و مورد استناد بوده اند آمده و در انتها با ارائه فهرست اهم منابع و مآخذی که برای تهیه این رساله مورد استفاده قرار گرفته اند به این وظیفه پژوهشی خاتمه بخشیده شده است.

## روند تاریخی نفت

اهمیت حیاتی که نفت در عصر صنعتی امروز دنیا پیدا کرده برهیچکس پوشیده نیست و تعداد محصولاتی که امروزه از نفت و گاز، بخصوص در صنعت پتروشیمی تهیه و مشتق می‌گردد ارزش این ماده حیاتی را بمثابه خون در جسم آدمی نشان می‌دهد کفایت برای یک روز تولید نفت قطع گردد تا معلوم شود حیات بشر در آستانه هزاره سوم میلادی چگونه به محصولات آن وابسته است.

“در زمینه انرژی از دیرباز انسان چوب و کودهای حیوانی (بیومس *Biomass*) را به عنوان منبع مطمئن حرارتی انتخاب کرد و تا هزاران سال یعنی تا عصر صنعت به آن وفادار ماند و در جوار آن از انرژی‌های طبیعی دیگر مانند آب و خورشید و نیروی عضلانی خود و دیگر جانوران بهره می‌برد.”<sup>۱</sup> بطوریکه یک کیلوگرم چوب خشک معمولی حرارتی معادل ۱۲۰۰۰ کیلوژول یا به بیان دیگر ۳۰۰۰ کیلو کالری حرارت ایجاد می‌کند اما “امروزه چوب دیگر منبع انرژی رسمی بشمار نمی‌آید و براساس



تحقیقات و مطالعات "دفتر آمار بین‌المللی انرژی" سوخت چوب که در سال ۱۹۵۶ ده درصد کل انرژی حرارتی دنیا را تشکیل می‌داد براساس آمار رسمی سال ۱۹۷۳ به ۳ درصد تنزل پیدا کرده است.<sup>۱</sup>

با شروع قرن هفدهم میلادی در اروپا استفاده از زغال‌سنگ متداول شد و انقلابات بزرگ صنعتی در طول قرون هیجدهم و نوزدهم هم مدیون آن منبع بوده است به این دلیل قرن نوزدهم را «عصر زغال‌سنگ» نامیده‌اند، این پدیده جدید در عصر صنعت جانشین چوب شد زیرا تراکم بیشتر انرژی در زغال‌سنگ بازتاب بیشتر حرارتی آنرا باعث گردید، «بطوریکه یک کیلو زغال‌سنگ حرارتی، معادل ۶۰۰۰ کیلوکالری حرارت را ایجاد می‌نموده است. اما وقتی نفت بعنوان منبع انرژی مورد استفاده قرار گرفت در مقام مقایسه با زغال‌سنگ و چوب استفاده این دو را بشدت کاهش داد زیرا یک لیتر نفت، حرارتی معادل ده هزار کیلوکالری تولید می‌کند مضافاً به اینکه سوخت نفت ضایعاتی ایجاد نکرده و آلودگیهایش بسیار کمتر از چوب و زغال‌سنگ می‌باشد.»<sup>۲</sup>

## انواع قراردادهای دولتی

قراردادهایی را که بوسیله دولت امضاء می‌شود شاید بتوان به سه دسته تقسیم کرد:

- «۱- قراردادهایی که دول با دولت‌های دیگر و سایر تابعین حقوق بین‌الملل منعقد می‌نمایند و این نوع قراردادها و تعهدات تابع حقوق بین‌الملل عمومی هستند.
- ۲- قراردادهایی که دولت‌ها در داخله خاک خود با اشخاص غیر تابعین حقوق بین‌الملل تنظیم می‌نمایند و جز عوامل حقوق داخلی هیچ عامل دیگری را در آن دخالت نمی‌دهند که این قراردادها تابع حقوق داخلی کشور امضاء کننده قرارداد است.
- ۳- قراردادهایی که دولت‌ها با اشخاص خصوصی خارجی اعم از حقوقی و یا حقیقی منعقد می‌نمایند و با میل و اراده قبول می‌کنند که روابط ایجاد شده از آن قرارداد تابع احکام حقوقی غیر از احکام حقوق ملی و داخلی آنها باشد که این قراردادها «قراردادهای بین دول و موسسات عمومی دولتی با اشخاص خصوصی خارجی» یا قراردادهای نیمه بین‌المللی هم نامیده شده‌اند و قراردادهای نفتی مورد بحث نیز جزء همین دسته ذکر می‌گردند و چون دارای خصیصه بین‌المللی نیز می‌باشند *International Oil Contract* به آنها اطلاق می‌شود.»<sup>۱</sup>



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## ارکان قرارداد بین‌المللی:

هر قرارداد بین‌المللی دارای چهار رکن است بشرح زیر:

«اول: دول امضاء کننده قرارداد بین‌المللی باید بر طبق حقوق بین‌المللی قابلیت امضاء قرارداد را داشته باشند.

دوم قصد طرفین باید این باشد که بر طبق حقوق بین‌المللی عمل کنند.

سوم حاکمیت اراده و قصد و رضای طرفین باید تلافی نماید و متحد شود و چنانچه قصد و رضا در یک زمان تلافی ننماید

دیگر به آنچه عمل شده قرارداد نمی‌توان گفت بلکه در اصطلاح حقوق بین‌المللی اینگونه اعمال را «*Unilateral*

*Declaration*» می‌گویند که به معنای اعلام سیاست یا تصمیم یکطرفه است و آنهم بجای خود الزام‌آور است و این مورد از

مواردی است که قواعد حقوق بین‌المللی با قواعد حقوق خصوصی اختلاف دارند زیرا در حقوق خصوصی عقود باید دو طرف

داشته باشند تا تعهدآور باشند.

چهارم: قصد و نیت طرفین در قبول تعهدات بین‌المللی باید بر این مبنا باشد که تعهدات و حقوق قانونی برای خود

ایجاد کنند و همین ویژگی یک قرارداد بین‌المللی را از یک «اعلامیه» مانند «منشور آتلانتیک» که صرفاً یک اعلام سیاست

است و تنها یک تعهد اخلاقی بر مبنای قول و شرافت (*Gentelman Agreement*) می‌باشد متمایز می‌کند.<sup>۲</sup>

ویژگیهای قراردادهای بین‌المللی نفتی ایران پس از انقلاب اسلامی ایران

مبحث اول) تا قبل از اجرای برنامه اول توسعه اقتصادی

همانگونه که طی مباحث در مورد انواع قراردادهای بین‌المللی نفت ایران با شرکهای خارجی نفتی عنوان شد پس از

پیروزی انقلاب اسلامی در اولین حرکت شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ کلیه قراردادهای مذکور را ملغی نمود و وزارت نفت

تشکیل شد تا با عقد قراردادهای جدید نفتی و لحاظ نمودن حداکثر منافع ملت ایران در جهت توسعه اقتصادی و تولید بهینه

منابع نفتی گامهای اساسی برداشته شود اما با توجه به نوع نگرش نسبت به سرمایه و سرمایه‌گذاری، ناشی شده از بزرگترین

انقلاب‌های ضداستعماری قرن و فضای دیدگاهی منتج از آن، همچنین وقوع یورش خارجی به مرزهای این کشور جذب

سرمایه‌گذاری خارجی نیز تا سال ۱۳۶۸ در بخش بالا دستی نفت صورت نگرفت و فقط یک مورد موسوم به «عملیات

اتوتکنیک» در سال ۱۳۶۷ شمسی (۱۹۸۷ میلادی) در حوزه جنوب دریای خزر به شرکت «تکنواکسپورت شوروی» واگذار شد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اصولا تا قبل از شروع برنامه اول توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران فقط در بخش صنایع پایین دستی از سرمایه‌گذاری خارجی استفاده و بهره‌برداری شده است که به چند نمونه از آنها اشاره می‌گردد:

۱- عقد قرارداد با شرکتی ایتالیایی برای ساخت قسمتی از تاسیسات واحد پتروشیمی اراک که طول مدت انجام قرارداد دوسال و نیم و هزینه اجرای آن به مبلغ در حدود ۱۳۵ میلیون دلار بالغ می‌باشد.<sup>۱</sup>

۲- قرارداد بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت فنلاندی "رائومارپولای" بمنظور احداث کارگاه کشتی‌سازی و ساخت سکوی حفاری در دریای خزر «به مبلغ ۶۳/۶ میلیون دلار و هزینه ریالی آن معادل ۹۶۰ میلیارد ریال که طول مدت اجرای آن ۴۰ ماه می‌باشد، همچنین عملیات اجرایی قرارداد تحت نظارت پیمانکار و به توسط شرکت صنایع دریایی ایران (صدرا) انجام شد.»<sup>۲</sup>

۳- قرارداد عملیات اجرایی پالایشگاه هفتم اراک با شرکت‌های "TPL" ایتالیا و «جی.گی.سی» ژاپن «بمبلغ ۱۸۰۵ میلیون دلار که هزینه ریالی آن نیز ۲۲ میلیارد ریال می‌باشد.»<sup>۳</sup>

۴- بازسازی پایانه نفتی خارک طی قراردادی با شرکت فرانسوی «به مبلغ ۲۲۰ میلیون دلار طی مدت ۲۷ ماه، ضمناً آن شرکت همچنین برای بازسازی و افزایش تولید سکوه‌های نفتی حوزه «نصر» نیز قراردادی بمبلغ ۴۵ میلیون دلار با ایران منعقد کرده است.»<sup>۳</sup>

۵- عقد قرارداد شش‌گانه برای پتروشیمی بندرامام به «میزان ۱۲۵۶ میلیون دلار که می‌بایست بازپرداخت این مبلغ از محل تولیدات پروژه طی مدت ۵ سال پس از راه‌اندازی صورت می‌گرفت.»<sup>۴</sup>

۶- دو قرارداد «به میزان جمعا ۴۲۹ میلیون دلار یکی مربوط به پتروشیمی اراک و دیگری قرارداد کود شیمیایی خراسان به میزان ۳۵۳ میلیون دلار که بازپرداخت این دو قرارداد نیز از محل تولیدات آن و طی مدت ۵ سال انجام می‌شد.»<sup>۵</sup>



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## مبحث دوم) پس از اجرای برنامه اول توسعه اقتصادی

در این مبحث به دلیل اهمیت و دگرگونی در اوضاع اقتصاد داخلی کشور پس از اعلام آتش بس جنگ ایران و عراق که در شرایط آن روز جهان بوقوع پیوست طی دو گفتار در این رساله تحت عنوان ۱- ویژگیهای تحولات قانونی قراردادهای نفتی ایران ، ۲- ویژگیهای قراردادهای منعقد شده بیع متقابل ایران، موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### گفتار اول: ویژگیهای تحولات قانونی قراردادهای نفتی ایران

همانگونه که گفته شد تا قبل از سال ۱۳۶۸ با بروز دیدگاههای منفی نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی و نیز وجود حالت جنگی در کشور هر گونه سرمایه‌گذاری خارجی بشدت اندک و معطوف به صنایع پایین دستی می‌شد ولیکن با پایان گرفتن جنگ و از ابتدای سال ۱۳۶۸ جذب اینگونه سرمایه‌گذاری بعنوان ضرورت بازسازی صنایع نفتی تخریب شده کشور در دستور کار دولت و برنامه توسعه اول اقتصادی کشور قرار گرفت همچنین سقفهای مشخص به منظور بهره‌مندی از منابع ارزی خارجی با توجه به قوانین کشور در چهارچوب معین در قوانین بودجه‌ای درج گردید. "به دنبال تغییر قانون اساسی و قانون نفت در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز در اجرا دولت دچار محدودیت‌هایی بود که جهت اختصار به سه بخش محدودیت‌های «قانونی» «اقتصادی» و «سیاسی» تقسیم و به آنها اشاره می‌گردد.

از نظر محدودیت‌های قانونی طی اصل ۴۴ قانون اساسی نظام اقتصادی را بر پایه ۳ بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم کرده و صنایع نفت را نیز بصورت مالکیت عمومی در اختیار دولت قرار داده است. همچنین اصل ۸۱ قانون اساسی که دادن هر گونه امتیاز تشکیل شرکت‌ها و موسسات امور تجاری و صنعتی، کشاورزی و معادن و خدمات را به خارجیان ممنوع کرده است بنابراین اصول مسلم هر گونه سرمایه‌گذاری مستقیم در بخش نفت و گاز ممنوع اعلام شده است.<sup>۱</sup>

"قانون نفت مصوب ۹ مهرماه ۱۳۶۶ که براساس ماده ۶ این قانون «کلیه سرمایه‌گذاری‌ها باید براساس بودجه واحدهای عملیاتی و از طریق وزارت نفت پیشنهاد و پس از تصویب مجمع عمومی در بودجه کل کشور درج شود نیز بحث سرمایه‌گذاری خارجی در این عملیات به هیچ عنوان مجاز نمی‌باشد. بنابراین هر گونه سرمایه‌گذاری خارجی بصورت مستقیم که در بردارنده حضور سرمایه‌گذار خارجی به عنوان مالکیت بر منابع و تاسیسات و تجهیزات باشد منع شده است و تنها «خرید خدمت» می‌تواند مجاز شناخته شود. چون ماده ۱۲ قانون نفت ۱۳۶۶ نیز قراردادهای «خرید خدمت» را نفی نمی‌کند بنابراین از بین روش‌های تامین منابع مالی خارجی، عقد کلیه قراردادهایی مانند امتیازی، مشارکت در تولید، مشارکت در سرمایه‌گذاری،



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

خدمات خطرپذیر ممنوع بوده و تنها قراردادهایی در چهارچوب خرید خدمت می‌تواند قانوناً منعقد گردد در مورد ممنوعیت‌های اقتصادی و بودجه‌ای نیز براساس بندهای "ج" "د" و "و" ماده ۸۵ برنامه سوم توسعه اقتصادی کشور تمامی طرح‌ها باید از سقف‌های معینی تجاوز نکند قبل از اجرای هر طرحی بایستی با ارایه توجیهات فنی و اقتصادی لازم با سازمان برنامه و بودجه موافقت‌نامه مبادله کنند و هر گونه قرارداد خارجی بیش از یک میلیون دلار تنها از طریق مناقصه محدود یا بین‌المللی با درج آگهی در روزنامه‌های کثیرالانتشار داخلی و خارجی انجام شود. در مورد کلیه پرداخت‌های مربوط به طرح‌ها، اعم از بازپرداخت و هزینه‌های ذی‌ربط تاکید گردیده است که بایستی بودجه آن از محل صدور محصولات تولیدی همان طرح‌ها تامین شود نکته مهم‌تر اینکه پیش پرداخت نیز بایستی از محل درآمدهای همان دستگاه ذی‌ربط انجام پذیرد.<sup>۱</sup>

اصولاً اعمال تحریم‌های اقتصادی و بازرگانی که مستقیماً منتج از مقاصد سیاسی قدرتهای اقتصادی جهان می‌باشد بر صنایع نفت و گاز آنهم کشورهای نفت‌خیزی که از توان فنی بالایی برخوردار نیستند ضربات موثری می‌گذارد که از جمله نمونه‌های عملی آنرا که برعلیه عراق، لیبی و نیجریه تاثیر بسیار داشت می‌توان نام برد، اما تحریم علیه ایران را که پس از تحمل یک تجاوز نظامی سنگین و نبردی هشت ساله به منظور ترمیم خرابی‌های وارد شده به صنایع و تاسیسات نفتی خود و افزایش توان تولیدی کشور تلاش نمود تا در جلب سرمایه‌های خارجی موفق شده و بتواند مقادیر قابل قبولی وام خارجی نیز دریافت دارد سرانجام با تلاش سیاستگذاران محافل مخالف ایران که توانستند قانون تحریم موسوم به قانون تحریم *ILSA* را به تصویب کنگره آمریکا برسانند سرانجام با امضای این قانون توسط رئیس جمهوری وقت آمریکا آنرا عملی ساختند و ایران را نیز در کنار لیبی محسوب داشته قانون تحریم ایران- لیبی را از ماه آگوست ۱۹۹۶ به اجرا بگذارند، در قسمت بعدی در بخش قراردادهای متنوع نفتی که پس از برنامه اول توسعه توسط دولت جمهوری اسلامی ایران به امضاء رسیده است ویژگیهای اینگونه قراردادها با شرکت‌های بین‌المللی نفتی غیر امریکایی مورد بررسی قرار می‌گیرد.<sup>۲</sup>

همانگونه که اشاره شد قانون تحریم ایران- لیبی (*ILSA*) از تصویب کنگره آمریکا گذشت و براساس این قانون حتی هر شرکت غیرآمریکایی نیز که سالانه بیش از ۲۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری نموده و از سال ۱۹۹۷ سالانه بیش از ۲۰ میلیون دلار در صنایع نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری نماید، از طرف دولت ایالات متحده مورد تحریم واقع می‌شود، به دنبال اعلام این قانون در همان ماه شرکت "*BHP*" استرالیا مجبوراً از یک پروژه احداث خط لوله گاز طبیعی ایران به پاکستان و هند به ارزش معاملاتی ۳ میلیارد دلار کناره‌گیری کرد و قرارداد توسعه منابع نفت و گاز سیری "*E*" و "*A*" که قبل از این قانون تحریم



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مصوب ۱۹۹۷ شرکت نفتی «کونوکو» آنرا با ایران نهایی کرده بود در سال ۱۹۹۵ بنا به دستور ویژه رئیس جمهوری وقت (کلینتون) ان شرکت از این اقدام منع گردید ولی ایران توانست پس از مدت کوتاهی همین قرارداد توسعه میادین نفتی را با شرکت‌های توتال فرانسه و پتروناس مالزی به امضاء برساند<sup>۱</sup> اتحادیه اروپا نیز از پذیرفتن قانون فوق‌الذکر آمریکا خودداری کرده و «ایران توانست در همان سال ۱۹۹۷ با کنسرسیومی متشکل از شرکت‌های توتال فرانسه، گازپروم روسیه و پتروناس مالزی قراردادی به ارزش سرمایه‌ای ۲ میلیارد دلار را برای توسعه میدان گازی پارس جنوبی به امضاء برساند و دولت آمریکا پس از یکسال بحث و بررسی فقط توانست اعلام کند که این شرکت‌ها استثنا از مجازات معاف می‌گردند.

پس از عقد این قرارداد شرکت‌های «الف» فرانسه و «آجیپ» ایتالیا هم برای حوزه نفتی «درو» قراردادی به ارزش تقریبی یک میلیارد دلار با شرکت ملی نفت ایران به امضاء رساندند و چندی بعد که خبر انعقاد قرارداد با شرکت «شل» منتشر شد بعضی از صاحب‌نظران مسایل نفتی از آن قرارداد به عنوان «سنگ قبر قانون تحریم آمریکا» یاد کرده‌اند.

در واکنش به قرارداد شرکت «رویال داچ‌شل» که دارایی فراوانی در آمریکا دارد و می‌توانست به خاطر این عمل مورد ضربه قرار گیرد، دولت آمریکا فقط اظهار تاسف ابراز داشت نگرانی شرکت‌های آمریکایی نیز از بابت اینکه می‌دانند گروه بزرگی از شرکت‌های اروپایی مانند «انی» ایتالیا، «رپسول» اسپانیا و «بریتیش گاز» انگلیس، آمادگی خود را برای سرمایه‌گذاری‌های مشابه در صنعت نفت و گاز ایران اعلام داشته‌اند بخاطر از دست رفتن شانس رقابت‌شان برای حضور در صنایع نفت و گاز ایران است بطوریکه رئیس شرکت آمریکایی کونوکو اعلام داشت: بار دیگر معلوم شد تحریک یک جانبه آمریکا نه تنها شرکت‌های آمریکایی را از حضور در رقابت‌های بین‌المللی در صنعت نفت ایران محروم کرد، بلکه رسیدن واشنگتن به اهداف اصلی خود را نیز دشوار ساخته است.<sup>۲</sup>

## در قراردادهای منعقد بین‌المللی نفت و گاز ایران

شرکت ملی نفت ایران بموجب اساسنامه قانونی خود عهده‌دار کلیه عملیات تفحص، اکتشاف، نقشه برداری، استخراج، حمل و نقل و تصفیه نفت خام و گاز طبیعی و هیدروکربورهای دیگر در سراسر کشور و فلات قاره بطور انحصاری بود. فعالیت سازمانها و موسسات دیگر در این زمینه منوط به تصویب مجلس و عقد قراردادهای جداگانه بود و در این محال نیز اینگونه فعالیت‌ها می‌بایست تحت نظارت کامل شرکت ملی نفت صورت می‌گرفت، «قانون نفت ۱۳۳۶ با تفویض اختیاراتی وسیع به شرکت ملی نفت ایران در جهت توسعه عملیات پیش گفته، مالکیت کلیه منابع شناخته شده کشور را نیز به شرکت ملی نفت





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

واگذار کرد و شرکت را ملزم نمود تا منابع نفتی کشور را (باستثنای حوزه قرارداد کنسرسیوم) به بخش‌های مختلف نفتی تقسیم کند مشروط بر آنکه هیچکدام از بخش‌ها از ۸۰۰۰ کیلومتر مربع تجاوز نکند. شرکت ملی نفت ایران همچنین موظف گردید که حداقل یک سوم تمام منابع قابل بهره‌برداری کشور را بعنوان ذخیره ملی *National Reserve* کنار گذاشته و بقیه منابع را بطور کلی یا قسمتهایی از هر بخش نفتی را برای مزایده، آزاد اعلام نموده و با شرکتهای خارجی دو نوع قرارداد عاملیت و مشارکت منعقد نماید.

قرارداد عاملیت از نوع قرارداد کنسرسیوم بود ولی نوع قرارداد مشارکت که در قانون ۱۳۳۶ پیش‌بینی شده بود، سابقه‌ای نداشت و ایران اولین کشور تولید کننده نفت بود که اقدام به انعقاد چنین قراردادهایی کرد. با تامین حق مشارکت دولت در عملیات شرکتهای نفتی خارجی، سهم ایران از حد اصل تنصیف منافع (۵۰-۵۰) تجاوز کرد. قانون نفت ۱۳۳۶ سهم منافع هر یک از طرفین را تعیین کرده و تاکید شده بود که هیچگاه سهم منافع شرکت ملی نفت ایران نباید کمتر از پنجاه درصد باشد. به این ترتیب و با احتساب پرداخت پنجاه درصد مالیات منافع شرکت خارجی به دولت، سهم ایران از منافع برابر هفتاد و پنج درصد می‌شد.<sup>۱</sup>

برای جلوگیری از تکرار قرارداد کنسرسیوم و اینکه هیچ شرکت و یا شرکتهای نفتی نتوانند در آینده کنترل بخش بزرگ و وسیعی از منابع نفتی کشور را در اختیار بگیرند، قانون نفت تصریح و تاکید داشت که هیچ شرکت نفتی یا سازمان مشترک و مختلط نباید بیش از شانزده هزار کیلومتر مربع در یک بخش نفتی در زمان واحد در اختیار داشته باشد. همچنین هیچ شخص یا شرکتهای نمی‌توانست در یک زمان معین در بیش از پنج بخش نفتی فعالیت داشته و به عملیات اقدام نماید.

از نظر مقررات مالی شریک طرف دوم می‌باید هر سال مبلغی که توسط شرکت ملی نفت ایران تعیین می‌شد به عنوان حق الارض بپردازد. هزینه‌های عملیات اکتشاف به عهده شریک بود و چنانچه اصلاً نفتی کشف نمی‌شد طرف خارجی به تنهایی مسئول کلیه هزینه‌ها بود، ولی اگر چنانچه نفت به میزان تجاری کشف می‌گردید، شرکت ملی نفت ایران سهم خود را از بابت هزینه‌های توسعه پرداخت می‌کرد. بموجب قانون، یک دوم نفت تولید شده متعلق به طرف خارجی بود که در قبال آن پنجاه درصد مالیات به دولت ایران پرداخت می‌کرد.

مدت قراردادهای بیست و پنج سال تعیین شده بود که حداکثر تا سه بار و هر بار بمدت پنج سال قابل تمدید بود، مضافاً به اینکه شریک خارجی موظف بود پس از گذشت ده سال نصف ناحیه قرارداد را به شرکت ملی نفت ایران مسترد دارد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در هشتم مرداد ماه ۱۳۵۳ قانون نفت جدیدی از تصویب مجلس شورای ملی گذشت که ضمن الغای قانون نفت ۱۳۳۶ مصوب هفتم مرداد ۱۳۳۶ مدت قراردادهای را بیست سال تعیین کرد و علاوه بر آن نوع دیگری از قرارداد بنام قرارداد خدمت در این قانون پیش‌بینی و در آن گنجانده شد.

البته پیش از تصویب این قانون و پیش‌بینی قرارداد خدمت، شرکت ملی نفت ایران که بموجب ماده ۲ قانون نفت ۱۳۳۶ اختیار داشت تا با هر شخص و سازمانی که صلاحیت آن محرز باشد هر گونه توافقی را که مقتضی می‌داند بعمل آورد، یک سلسله قراردادهای انجام خدمت منعقد کرده بود.

گفتار اول: عملکرد در قالب قراردادهای مشارکت در تولید نفت ایران

عملیات حفاری در ناحیه قم در سال ۱۹۵۷ با موفقیت توأم بود و در این سال در این منطقه نفت پیدا شد. شرکت ملی نفت ایران این منطقه را برای عقد قرارداد آزاد اعلام کرد. «انریکو ماتئی *Enrico Mattei* مدیر کمپانی نفت ایتالیائی انی *National Idrocarburi (ENI)* که از رفتار کمپانیهای بزرگ عضو کنسرسیوم و عدم دعوت از کمپانی ایتالیائی برای شرکت در قرارداد نفت با ایران در سال ۱۹۵۴ ناراحت و خشمگین بود، بلافاصله پس از اعلام شرکت ملی نفت ایران به تهران آمد و پیشنهاد خود را تسلیم داشت. بنا بر پیشنهاد ماتئی یک شرکت مختلط ایرانی- ایتالیائی به وسیله شرکت آجیپ مینراریا از شرکتهای فرعی انی و شرکت ملی نفت ایران، بنام سیریپ *Societe Irano- Italienne des petroles (SIRIP)* که در آن دو شریک دارای سهم متساوی بودند تشکیل گردید. هر یک از طرفین قرارداد نصف اعضای هیئت مدیره را انتخاب می‌کرد و ریاست هیئت مدیره به عهده یک ایرانی محول می‌گردید. به موجب قرارداد منعقد در سوم اوت ۱۹۵۷ (۱۲ مرداد ۱۳۳۶) کلیه هزینه‌های اکتشاف بعهد شرکت آجیپ بود و فقط در صورتیکه عملیات منجر به کشف نفت به میزان تجاری می‌گردید، این هزینه‌ها بطور مساوی بین شرکت آجیپ و شرکت ملی نفت ایران تقسیم می‌شد.»<sup>۱</sup>

هزینه اولیه اکتشاف به مبلغ بیست و دو میلیون دلار برآورد گردید و آجیپ متعهد شده بود که مبلغ شش میلیون دلار در ظرف چهار سال اول (هر سال ۱/۵ میلیون دلار) صرف هزینه اکتشاف نماید و در شش سال بعد هر سال دو میلیون دلار و جمعا ۱۶ میلیون دلار هزینه نماید و چنانچه بعد از خاتمه چهار سال اول شرکت از ادامه عملیات منصرف گردد می‌بایست نصف مبلغ خرج نشده از کل بیست و دو میلیون دلار را بلاعوض به شرکت ملی نفت ایران بپردازد. پس از کشف نفت به میزان تجاری، سیریپ متعهد به پرداخت ۵۰ درصد از منافع خود بعنوان مالیات به دولت ایران بود. در این حالت ۷۵٪ منافع نصیب



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ایران می‌گردید. بدیهی است که شرکت ملی نفت ایران نیز متعهد بود تا در ازاء سهم مشارکت خود، پنجاه درصد از سرمایه مورد نیاز را برای بهره‌برداری پرداخت نماید.

“ولی مائتی بعد از عقد قرارداد با ایران به فعالیت‌های شرکت انی دامنه وسیعتری بخشید و در سایر مناطق نفت خیر مثل افریقا نیز با امضای قراردادهای مشابهی اصل ۲۵-۷۵ را گسترش داد. مائتی خود معتقد بود که این ترتیب به کشورهای صاحب نفت مجال خواهد داد تا در استخراج منابع طبیعی خود با شرایط کاملا مساوی سهیم شوند و از این راه در توسعه اقتصادی خود سهمی داشته باشند.”<sup>۲</sup>

در سال ۱۹۵۸ دومین قرارداد مشارکت ایران منعقد گردید. شرکت ملی نفت ایران یک بخش نفتی دیگر کشور را واقع در فلات قاره ایران در خلیج فارس آزاد اعلام کرد. هر کمپانی نفتی برای شرکت در مزایده و نام‌نویسی موظف به پرداخت ۲۷۰۰ دلار به شرکت ملی نفت ایران بود و در ازاء آن شرکت ملی نفت ایران کتابچه‌ای حاوی مشخصات بخش نفتی آزاد اعلام شده و وضعیت جغرافیایی و زمین‌شناسی آن در اختیار کمپانیهای متقاضی قرار می‌داد. از میان ۵۷ کمپانی متقاضی، ۱۴ کمپانی در مزایده شرکت کردند و سرانجام برنده نهایی کمپانی نفت پان آمریکن کمپانی فرعی و وابسته به کمپانی نفتی “استاندارد ایندیانا” بود. قرارداد مشارکت پان آمریکن و شرکت ملی نفت ایران در ژوئن ۱۹۵۸ به امضاء رسید.

«شرایط قرارداد مشارکت با پان آمریکن برای دولت ایران به مراتب بهتر از شرایط با انی بود و منافع بیشتری را برای طرف ایرانی در برداشت. در قرارداد کمپانی پان آمریکن متعهد شده بود که مبلغ ۸۲ میلیون دلار طی مدت ۱۲ سال برای عملیات اکتشاف سرمایه‌گذاری نماید. در سایر موارد شرایط قرارداد مشارکت با پان آمریکن مشابه قرارداد با انی بود، با این تفاوت که شرکت مختلط ایجاد شده بموجب آن، که بنام شرکت نفت ایران و پان آمریکن «ایپاک» *Iran- Pan American Oil Company* نامیده شده بود، شرکتی غیر انتفاعی بود که به عنوان عامل شرکت ملی نفت ایران و پان آمریکن عمل می‌کرد. ایپاک توسط هر دو شریک کنترل و نظارت می‌شد و به حساب هر دوی آنها نفت تولید می‌کرد.

در سال ۱۹۶۵ شش قرارداد نفتی دیگر از نوع مشارکت منعقد گردید. قرارداد مشارکت با کنسرسیومی از شرکتهای آتلانتیک، مورفی، سان اویل و یونیون اویل که منجر به تشکیل شرکت نفت لاوان (لاپکو) *Lavan Petroleum Company* گردید که یکی از بهترین و سودآورترین قراردادهای مشارکت برای هر دو طرف بوده است. قرارداد دیگری که قرین موفقیت بود با گروهی مرکب از شرکتهای آجیپ، فیلیپس و یک شرکت هندی منعقد گشت و بموجب آن شرکت پیمانکاری بنام شرکت



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نفت بین‌الملل دریائی ایران *Iranian Marine International Oil Co.* ایمنو کو *IMINOCO* تاسیس شد.<sup>۱</sup> فعالیت این پیمانکاری هم منتج به کشف نفت به میزان تجاری گشت و این قرارداد مشارکت نیز یکی از قراردادهای سودآور برای ایران محسوب می‌شد.

نکات مهم و تازه‌ای که در قراردادهای جدید شش‌گانه مشارکت گنجانیده شده و جلب نظر می‌کرد عبارت بودند از تعهدات طرف‌های دوم مبنی بر:

- ۱- پرداخت مالیات بر درآمدی معادل ۱۲/۵ درصد قیمت اعلام شده نفت مکشوفه به میزان تجاری به دولت ایران، در صورت بروز هر گونه اختلال و تاخیر در عرضه و بازاریابی نفت.
- ۲- خرید کلیه پنبجاه درصد سهم نفت خام شرکت ملی نفت ایران به بهای نیمه راه. (بهای نیمه راه عبارت است از قیمت اعلان شده نفت به علاوه هزینه تولید نفت به اضافه مالیات بردرآمد دولت)
- ۳- پس از گذشت ۵ سال یک چهارم و پس از گذشت ۱۰ سال یک دوم حوزه قرارداد به شرکت ملی نفت ایران مسترد می‌گردید.

«در مورد خرید پنبجاه درصد سهم نفت ایران به بهای نیمه راه توسط طرف دوم قراردادهای مشارکت باید به این موضوع توجه داشت که در قیاس با قراردادهای نفتی که آن زمان بین سایر دولتها منعقد می‌گردید این انتظار ایرانیان و درج آن در قراردادها به این ترتیب جدید شامل امتیازی عمده برای دولت صاحب نفت بود، به این معنی که مالیات متعلقه به دولت ایران از صددرصد نفت تولید شده بر مبنای بهای اعلان شده محاسبه و پرداخت می‌گردید، مضافاً به اینکه آن مقدار از نفت سهم ایران را که شرکت ملی نفت خود قادر به فروش آن نبود به بهای اعلان شده به شریک خارجی انتقال می‌داد و منافع حاصله از این معامله بین خریدار و فروشنده بطور برابر تقسیم می‌گردید.»<sup>۲</sup>

در سال ۱۹۷۱ قراردادهای مشارکت جدیدی در ایران منعقد گردید که در آنها اصول کلی قراردادهای مشارکت که پیش از آن منعقد گردیده بود دچار تحول شد و اصول کلی جدیدی در جهت تامین منافع بیشتر برای دولت ایران مد نظر قرار گرفت و شرایط سنگین‌تری را برای طرفهای خارجی مقرر داشت. این اصول کلی جدید عبارت بودند از:

- ۱- تقلیل دوره اکتشاف از ۱۲ سال به ۶ تا ۹ سال و کماکان به هزینه شرکای خارجی.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۲- استرداد نیمی از هزینه عملیات اکتشافی به طرف خارجی در صورت کشف نفت به میزان تجاری از طریق استهلاک و در طی ده سال پس از شروع صادرات نفت.

۳- پرداخت سهم شرکت ملی نفت ایران برای هزینه‌های اولیه و توسعه و بهره‌برداری توسط شرکای خارجی. بازپرداخت هزینه‌های سهم ایران با ۷ درصد بهره و ظرف ده سال که از محل عایدات نفت صورت می‌گرفت.

۴- تقلیل دوره بهره‌برداری از ۲۵ سال به ۲۰ سال و تمدید آن تنها برای دو دوره ۵ ساله دیگر با این شرط که در هر تمدید، قرارداد منعقد بطور کامل مورد تجدید نظر قرار گیرد.

## قراردادهای مشارکتی که در سال ۱۹۷۱ منعقد شد و اصول کلی جدید در آنها رعایت گردید عبارتند از:

۱- قرارداد مشارکت شرکت ملی نفت ایران و گروه شرکتهای نفتی ژاپنی که با تشکیل شرکت نفت ایران و ژاپن *Iran-Nippon Petroleum Company* که اختصاراً اینیپکو *INIPCO* نامیده می‌شد، پیمانکاری عملیات را در حوزه‌ای به مساحت هشت هزار کیلومتر مربع در لرستان عهده‌دار شد.

۲- قرارداد شرکت ملی نفت ایران و شرکت نفت آمریکائی *Amerada Hess* در حوزه‌ای به مساحت ۳۷۰۰ کیلومتر مربع در فلات قاره ایران، شرکت مختلط نفت بوشهر (بوشکو) *Bushehr Petroleum Company* پیمانکاری عملیات را عهده‌دار بود.

۳- قرارداد مشارکت با کمپانی آمریکایی موبیل *Mobil* حوزه قرارداد ۳۵۰۰ کیلومتر و شرکت مختلط پیمانکار بنام شرکت نفت هرمز (هوپکو) *Hormoz Petroleum Company (HOPECO)* عهده‌دار عملیات بود. با انعقاد قراردادهای مشارکت سه گانه فوق، شرکت ملی نفت ایران مجموعاً ۴۷ میلیون دلار پذیره نقدی دریافت داشت و مقرر شده بود که ۲۶ میلیون دلار دیگر نیز به عنوان پذیره مشروط بهره‌برداری بعداً دریافت دارد.

گفتار دوم: عملکرد در قالب قراردادهای انجام خدمت یا پیمانکاری نفت ایران

قراردادهای خدمت یا پیمانکاری نوع جدیدی از قراردادهای نفتی بودند که به طور کلی با قراردادهای سنتی و قراردادهای مشارکت تفاوت داشتند. اولین قرارداد از این نوع در اوت ۱۹۶۶ (مرداد ۱۳۴۵) بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت دولتی تحقیقات و فعالیتهای نفتی فرانسه (اراپ) *ERAP* منعقد گردید و الگوی جدیدی در صنعت نفت برای عقد قراردادها شد.

به موجب قرارداد منعقد، "اراپ" به عنوان پیمانکار شرکت ملی نفت ایران عمل می‌کرد و متعهد به انجام خدمات فنی، مالی و تجاری در ازاء دریافت حق الزحمه بود. به موجب قرارداد، شرکت ملی نفت ایران وظایف انحصاری پیمانکار کل را به یک



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

پیمانکار فرعی اراپ به نام سوفیران *SOFIRAN* واگذار می‌کرد تا عملیات اکتشاف و بهره‌برداری را عهده‌دار شود. تامین سرمایه برای هزینه‌های عملیاتی اکتشافی و بهره‌برداری به عهده پیمانکار بوده و در صورتی که عملیات قرین توفیق نگشته و نفت به میزان تجاری کشف نمی‌گردد استرداد هزینه‌های به عمل آمده میسر نبود، اما در صورت کشف نفت به میزان تجاری استرداد هزینه‌های مرحله اکتشافی به اقساط سالانه صورت می‌گرفت.

«مساحت اولیه ناحیه قرارداد بالغ بر ۲۵۰۰ کیلومتر مربع در خشکی و ۲۰/۰۰۰ متر مربع از فلات قاره بود. منطقه اصلی قرارداد در پایان نخستین سال اکتشاف به نصف تقلیل پیدا می‌کرد تا منطقه بعدی عملیات را که «منطقه واگذاری» نامیده می‌شد تشکیل دهد و این منطقه نیز باید در پایان مهلت اکتشاف (۶ تا ۹ سال) به یک سوم یا یک چهارم تقلیل پیدا کند تا بدین ترتیب منطقه بهره‌برداری تشکیل گردد. در صورتیکه در پایان مهلت اکتشاف هیچ میدان تجاری کشف نمی‌گردد قرارداد پایان یافته تلقی می‌شد.

«نخستین میدانی که به موجب قرارداد کشف می‌گردد برای استهلاک هزینه‌های اکتشافی پیمانکار مورد استفاده قرار می‌گرفت. به موجب قرارداد، شرکت ملی نفت ایران مالک تمامی نفت تولید شده بود و متعهد می‌گردد که از بابت حق الزحمه عملیات پیمانکار مقدار معینی از نفت تولید شده را به قیمت تمام شده به اضافه دو درصد هزینه‌ها به پیمانکار بفروشد. مالیات دولت ایران از بابت نفت خریداری شده توسط اراپ (پیمانکار) بر اساس قیمت واقعی بازار و به نسبت ۵۰ درصد منافع حاصله از فروش نفت مزبور محاسبه و وصول می‌شد. مقدار معین نفت که به پیمانکار فروخته می‌شد حسب فاصله میدان نفتی تا ساحل محل بارگیری از ۳۵ تا ۴۵ درصد از نصف مقدار نفت تولید شده بود، زیرا ۵۰ درصد کل نفت میدانهای نفتی که کشف می‌گردد به عنوان «ذخیره ملی» کنار گذارده می‌شد و دولت ایران مختار بود که بدون هیچ تعهدی در قبال اراپ از آن بهره‌برداری نماید.»<sup>۱</sup>

مزایای قراردادهای خدمت از نوع قرارداد با اراپ، صرفنظر از مزایای مالی، یکی تشکیل ذخایر ملی و دیگر مالکیت شرکت ملی نفت ایران بر نفت تولید شده است. اصولاً ماهیت این نوع قرارداد در پیمان انجام خدمت آن است که طرف خارجی متعهد می‌گردد تا در نقش یک پیمانکار عمومی برای شرکت ملی نفت به عنوان کارفرما به عملیات اکتشاف و تولید مبادرت ورزد و تنها در صورت موفقیت در عملیات حق الزحمه‌ای دریافت دارد.

«در سال ۱۹۶۹ دو قرارداد خدمت دیگر با طرفهای خارجی به امضاء رسید که در بردارنده همان اصول کلی قرارداد اراپ بودند. نخستین قرارداد با کنسرسیوم پنج عضوی اروپایی منعقد گردید. این کنسرسیوم اروپایی مرکب از پنج شرکت نفت



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دولتی اروپایی بود که عبارت بودند از اراپ با ۳۲ درصد سهام، آجیب مینراریا با ۲۸ درصد سهام، شرکت دولتی نفت اسپانیا (هیسپان اویل *Hispan Oil*) با ۲۰ درصد سهام، شرکت نفت بلژیک (پتروفینا *Petrofina*) با ۱۵ درصد سهام و شرکت نفت اتریش (*O.M.V*) با پنج درصد سهام. اراپ به عنوان نماینده عامل از جانب کنسرسیوم اروپایی و به عنوان پیمانکار کل شرکت ملی نفت ایران عملیات را عهده‌دار می‌گردید. مساحت حوزه قرارداد ۲۷۲۶۰ کیلومتر مربع و بخشی از منطقه موضوع قرارداد کنسرسیوم با ایران بود که در سال ۱۹۶۷ از آن مسترد گردید.<sup>۲</sup> نکته جدید در این قرارداد خدمت آن بود که پیمانکار متعهد بود تا ۵ سال پس از تاریخ اجرای قرارداد مسئولیتهای عملیات را به نماینده شرکت ملی نفت ایران واگذار کند.

قرارداد دوم خدمت که در سال ۱۹۶۹ منعقد شد با کمپانی نفتی آمریکایی کنتینانتال *Continantal Oil Company* امضا گردید. مساحت حوزه قرارداد ۱۲۰۰۰ کیلومتر و دوره اصلی اکتشاف ۷ سال پیش‌بینی شده بود. کنتینانتال متعهد به پرداخت ۱۰ میلیون دلار به عنوان پذیره می‌گردید و ۶ میلیون دلار دیگر پس از کشف نفت پرداخت می‌شد. سهام پیمانکار از نفت خام در فرمول مشخصی معین شده بود، به این معنی که تا ۲۷۰/۰۰۰ بشکه نفت در روز ۴۵ درصد آن به پیمانکار تعلق می‌گرفت و نسبت به مازاد آن نیز ۳۰ درصد برای پیمانکار در نظر گرفته شده بود. بهای نفتی که به پیمانکار فروخته می‌شد مانند قرارداد اراپ عبارت بود از قیمت تمام شده به اضافه ۲ درصد هزینه‌ها.

گفتار سوم: عملکرد در قالب سایر قراردادهای اکتشاف و توسعه و بهره‌برداری نفت ایران

«قانون نفت ۱۳۵۳ ایران به شرکت ملی نفت اختیار می‌داد تا قراردادهایی نیز برای عملیات اکتشاف و توسعه نفت منعقد نمایند. شرکت ملی نفت ایران با استفاده از این مجوز قانونی اقدام به عقد یک رشته قراردادهای پیمانکاری اکتشاف و توسعه با کمپانی‌های نفتی کرد که ماهیت آنها با قراردادهای خدمت و مشارکت متفاوت بود و سبب ایجاد دگرگونی‌های عمیقی در نوع قراردادهای نفتی جهان گردید. این نوع قراردادهای اکتشاف و توسعه که استقرار حاکمیت ایران را بر منابع نفتی خویش با تامین کنترل آنها تحکیم کرد، در صنعت جهانی نفت هم بدعتی تازه گذارد و تا حد زیادی اوضاع را به نفع کشورهای تولید کننده نفت تغییر داد.»<sup>۱</sup> در قراردادهای اکتشاف و توسعه که با کمپانی‌های نفتی منعقد گردید پیمانکاران فقط تا زمانی که تولید نفت به میزان تجاری می‌رسید مسئولیت و عاملیت عملیات اکتشاف را عهده‌دار بودند و پس از شروع بهره‌برداری شرکت ملی نفت ایران خود مسئولیت عملیات تولید و استخراج را به عهده می‌گرفت و در نتیجه قرارداد اکتشاف و توسعه خاتمه یافته تلقی می‌شد، در این مرحله با طرف خارجی قراردادی برای فروش نفت منعقد می‌گردید که بموجب آن ۳۵ تا ۵۰ درصد نفت



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مکشوفه با تخفیفی معادل ۳ تا ۵ درصد قیمت تمام شده و بمدت ۲۰ سال به طرف خارجی فروخته می‌شد. در قراردادهای اکتشاف و توسعه پرداخت پذیره‌های نقدی تا ۲۰ میلیون دلار از سوی طرف خارجی تعهد می‌شد و هزینه‌های اکتشاف و توسعه نیز به عهده طرف خارجی بود. «شرکت ملی نفت ایران شش قرارداد از این نوع را با شرکت‌های نفتی منعقد کرد و مجموعاً با دریافت ۵۰ میلیون دلار به عنوان پذیره نقدی و تعهد کمپانی‌ها برای پرداخت مجموعاً ۱۷ میلیون دلار دیگر به عنوان پذیره مشروط، نه تنها به درآمد مهمی دست پیدا کرد، بلکه هزینه عملیات اکتشاف و توسعه نفت در ایران را در بخش‌های بزرگی از کشور بر عهده شرکت‌های عامل نهاد و هیچ تعهدی را جز فروش مقادیر معینی نفت به آنها بر گردن نگرفت.»

از شش قرارداد منعقد شده از این نوع، دو قرارداد با کمپانی آلمانی نفت دمینکس *Deminex* به امضاء رسید. قرارداد اول برای حوزه‌ای به مساحت ۶۷۰۰ کیلومتر مربع در شیراز و قرارداد دوم برای حوزه‌ای به مساحت ۷۸۰۰ کیلومتر در آبادان بود، شرکت نفت دمینکس ایران به عنوان پیمانکار شرکت ملی نفت ایران، به صورت شرکت مختلط عهده‌دار عملیات اکتشاف و توسعه بود. شرکت نفت فرانسوی *C.E.P* با ایجاد «شرکت توتال ایران» و فعالیت در حوزه‌ای بمساحت ۸۰۰۰ کیلومتر مربع در منطقه غرب لارستان شرکت نفت آمریکایی «اولترامار» با تاسیس شرکت پیمانکاری با نام «شرکت نفت اولترامار ایران» در جنوب شرقی لارستان و آجیب ایتالیا با ایجاد «شرکت نفت آجیب ایران» و حوزه عملیاتی به وسعت ۷۱۵۰ کیلومتر مربع و بالاخره گروه نفتی آشلند آمریکایی که در حوزه‌ای بمساحت ۷۲۵۰ کیلومتر مربع در شمال لار متعهد عملیات اکتشاف و توسعه از طریق ایجاد «شرکت اکتشاف لار»، عاقدین چهار قرارداد دیگر اکتشاف و توسعه بودند.

شرکت‌های پیمانکاری متعهد شده بودند که برای انجام عملیات اکتشاف و توسعه نفت در ایران مبلغی معادل ۱۶۷ میلیون دلار در طی حداکثر پنج سال هزینه نمایند. دیگر شرط مهم در این قراردادها استفاده از کارکنان ایرانی توسط پیمانکار خارجی بود مگر در مواردی که استخدام ایرانیان واجد شرایط میسر نبود.<sup>۲</sup>

پس از انقلاب اسلامی ایران کلیه قراردادهای مذکور ملغی و امر اکتشاف و توسعه و بهره‌برداری به وزارت نفت محول گردیده است که با توجه به مقتضای کشور و تشخیص کارشناسان در هر منطقه یا میداین نیازمند توسعه چگونگی امر توسط متخصصین داخلی شرکت ملی اکتشاف گزارش و سپس طرح‌های نفتی تهیه شده ابتدا در کمیسیون‌های نفت و برنامه و بودجه به طور تفضیلی مورد مذاقه قرار می‌گیرد و سپس در صحن علنی مجلس شورای اسلامی مطرح و در صورت تصویب مقدمات برگزاری مناقصه در سطح داخلی و خارجی و نهایتاً به صورت عقد قراردادهای توسعه بیع متقابل که گونه‌ای از قراردادهای





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

خرید خدمت است و در آن هیچ‌گونه منابع، مخازن و شراکت در تولید نفت و فروش آن به شرکت داخلی و خارجی داده نمی‌شود، عملی می‌گردد.<sup>۱</sup>

به طور کلی در روند بهره‌برداری از حوزه‌های نفتی مشترک و غیر مشترک هر مالکی تلاش دارد تا با بکارگیری روشهای نوین توسعه که متضمن حداکثر بهره‌برداری مناسب با ساختار و نوع آن میدان نفتی باشد همزمان به افزایش کارایی و جلوگیری از افت میدان نفتی مورد نظر بپردازد، خصوصاً در سفره‌های مشترک نفتی که عدم بهره‌برداری یکی از مالکین موجب بروز خسارات بسیار به میدان حوزه مالکیت وی و مهاجرت نفت به حوزه تحت فعالیت مالک مقابل خواهد شد. به لحاظ این ضرورت «دولتهای مالک نفت سعی در توسعه و تولید و بهره‌برداری از میادین را دارند که یکی از روشهای متداول آن نیز روش بیع متقابل می‌باشد. به زبان ساده در این روش وقتی شرکت خارجی «A» با شرکت «B» به عنوان مالک میدان توافق می‌کنند که شرکت «A» در حوزه مالکیت شرکت «B» برای اکتشاف یا راه‌اندازی میدان نفتی اقدام نماید. «در واقع «بیع متقابل» همینجا معنا پیدا می‌کند به صورتی که این نوع از قرارداد حکم می‌کند تا شرکت «A» سرمایه خود را پس از راه‌اندازی خط تولید از همان محصول تولید تامین و مستهلک سازد. این بازگشت سرمایه طبیعتاً همراه با سود و نرخ ویژه‌ای خواهد بود که قبلاً بر اساس معیارهای مورد توافق طرفین در قسمت مالی قرارداد با همین عنوان ذکر شده است که می‌تواند به صورت نقدی نیز به شرکت سرمایه‌گذار «A» در صورت رسیدن به تولید تجاری پرداخت شود ولی چنانچه عملیات شرکت «A» منجر به اکتشاف نفت نشود و یا میدان مورد نظر به میزان مطلوب تجاری طی شده در قرارداد نباشد بازپرداختی صورت نمی‌گیرد.»<sup>۲</sup>

## - توسعه میادین به روش بیع متقابل در ایران

در صنعت نفت ایران نیز پس از پایان جنگ هشت ساله با عراق از سال ۱۳۶۸ توسعه میادین و بازسازی سکوها و تجهیزات میادین تخریب شده در جنگ در اولویت برنامه‌های دولت قرار گرفت «بنابر اظهارات رسمی روابط عمومی وزارت نفت چون طرحهای بیع متقابل طی چهار تا پنج سال به ثمر خواهد نشست و از طرفی هم افزایش تقاضای بازار جهانی در آن سالها به هفت میلیون بشکه خواهد رسید با بررسی کارشناسان نفت بدیهی تشخیص داده شد که سهم ۱۴ درصدی ایران در بین اعضاء اوپک به معنای اجازه افزایش حدود یک میلیون بشکه بدون نیاز به خروج از سقف سهمیه‌ها در آن تاریخ و از آن مهمتر موضوع افت تولید میادین نفتی ایران به میزان هر ساله ۳۰۰-۲۵۰ هزار بشکه و ضرورت حفظ و پاسداری از مخازن و تزریق گاز به منظور افزایش بازیافت نفت ضرورت انعقاد قراردادهای بیع متقابل را با توجه به لزوم سرمایه‌گذاری کلان توسعه میادین



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

که طبیعتاً با توجه به عدم اکتفا منابع سرمایه‌گذاری داخلی می‌بایست از طریق عقد قرارداد با شرکتهای نفتی خارجی به عنوان سرمایه‌گذار اولیه صورت گیرد طبق مصوبات مجلس و تبصره‌های بودجه بر اساس مناقصه با درج در روزنامه‌های داخلی و خارجی شکل گرفت.<sup>۲</sup> در این مبحث چون موضوع قراردادهای منعقد شده توسعه میادین می‌باشد با آوردن دو جدول پیوست عمده موارد یکی از مهمترین پروژه‌های نفتی انجام شده پس از انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد «لازم به یادآوری این نکته می‌باشد، این قرارداد که در جراید به «توتال» مشهور گردیده اما در واقع نام اصلی این قرارداد توسعه فازهای ۲ و ۳ میدان مشترک پارس جنوبی است که شرکت توتال پیمانکار طرف قرارداد می‌باشد.»<sup>۳</sup> ضمناً به دلیل اینکه جزئیات بیع متقابل طی مبحث دوم از بخش سوم همین فصل در قسمت «ویژگیهای قراردادهای بین‌المللی نفتی ایران پس از انقلاب اسلامی» به طور مفصل آمده است، از توصیف مکرر در این قسمت خودداری می‌گردد.

## – قرارداد مراحل ۲ و ۳ میدان مشترک پارس جنوبی

اجرای این مراحل که از بالاترین اولویت‌ها برخوردار است از نظر کارشناسان وزارت نفت «نه فقط با هدف تامین مصرف رشدیابنده داخلی گاز و تزریق گاز به میادین نفت را دنبال می‌کند، بلکه به دلیل بهره‌برداری کشور همسایه و مهاجرت گاز و مایعات به آنسوی مرزها از اولویت برخوردار شده است و شرکت توتال متعهد به استفاده حداقل ۳۰ درصد مبلغ قرارداد از توانمندی‌های داخلی است.» «ابزار قراردادی برای تضمین آن نیز از قبیل خرید کالا، خدمات، مشاورین، تصمیم پیمانکاران قبل از انجام در کمیته مشترک مدیریت با حضور شرکت نفت و گاز پارس و با تصویب کمیته فوق انجام می‌شود. این طرح توسعه میدان گازی برای استحصال روزانه دو میلیون فوت مکعب گاز، حدود ۸۰۰۰۰ بشکه میعانات گازی و ۴۰۰ تن گوگرد به صورت بیع متقابل در تاریخ ۷۶/۷/۸ به مشارکت شرکتهای توتال، گازپروم روسیه و پتروناس مالزی واگذار شد. اخیراً شنیده شد گازپروم روسیه سهم خود را به یک شرکت آلمانی واگذار کرده است.»<sup>۴</sup> سقف هزینه‌های سرمایه‌ای این قرارداد ۲۰۱۲ میلیون دلار و بهره بانکی آن با نرخ بهره بانکی لیبور به اضافه ۷۵٪ حدود ۸۰۷ میلیون دلار برآورد می‌شود. حق الزحمه مقطوع ۱۴۰۰ میلیون دلار خواهد بود که ۲۵۱ میلیون دلار آن برای سایر هزینه‌های تامین مالی پیش‌بینی شده است. مدت قرارداد ۱۱ سال که مطابق آخرین برنامه زمان‌بندی ارائه شده توسط پیمانکار بهره‌برداری از میدان در چهار مرحله به شرح زیر انجام خواهد شد:



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱۳۸۰/۷/۹	«مرحله اول با ظرفیت ۵۰۰ میلیون فوت مکعب در روز
۱۳۸۰/۹/۱۰	مرحله دوم با ظرفیت ۱۰۰۰ میلیون فوت مکعب در روز
۱۳۸۱/۱/۱۲	مرحله سوم با ظرفیت ۱۵۰۰ میلیون فوت مکعب در روز
۱۳۸۱/۴/۱۰	مرحله چهارم با ظرفیت ۲۰۰۰ میلیون فوت مکعب در روز

هزینه‌های غیر سرمایه‌ای قرارداد (شامل گمرک، بیمه، هزینه‌های آموزش نیروی انسانی و تامین اجتماعی) در مجموع ۱۰٪ هزینه‌های سرمایه‌ای برآورد می‌شود که در ابتدا به خزانه دولت واریز شده و سپس بایستی به اقساط از محل درآمد پروژه به پیمانکار بازپرداخت شود.

لازم به یادآوری است که فقط در مورد این پروژه چون محصول میدان گاز طبیعی می‌باشد که جهت مصارف داخلی در نظر گرفته شده است و احتمالاً محصول دیگر آن یعنی مایعات گازی به تنهایی تکافوی هزینه‌ها را نمی‌کند لذا اجازه بازپرداخت از دیگر میادین بیع متقابل از مراجع قانونی اخذ گردیده.<sup>۱</sup>

توتال متعهد به استفاده حداقل ۳۰٪ مبلغ قرارداد از توانمندیهای داخلی شده در مورد بازپرداخت چون با قیمت‌های زیر ۲۲/۵ دلار هر بشکه مایعات گازی به تنهایی نمی‌تواند در مدت محدود بازپرداخت پاسخگوی هزینه باشد زیرا تحویل گاز نیاز به سرمایه‌گذاریهایی بعدی مانند احداث خط لوله به کشورهای همسایه و یا ساخت کارخانه‌های مایع سازی گاز دارند و چون تحویل گاز را در این مرحله ناممکن ساخته است و ثانیاً اینکه تمامی گاز تولیدی مورد نیاز کشور تشخیص داده شده است که می‌بایست بخشی از آن نیز جایگزین فرآورده‌های نفتی مایع شود «لذا فقط در این مورد به دلیل محدودیت‌های عملیاتی و ضرورت‌های برنامه‌های ملی مصرف گاز با اخذ مجوز از مجلس و تصویب شورای اقتصاد استثنائاً از میادین گازی دیگر به پیمانکار بازپرداخت خواهد شد. از ویژگیهای مهم این قرارداد بیع متقابل، انجام کار پس از اخذ مجوز از مجلس و در تطبیق با قانون نفت است و این قرارداد چون با دولت خارجی منعقد نشده است لذا مستلزم مصوبات ویژه قانونی نمی‌باشد و کنسرسیوم مرکب از سه شرکت خارجی «توتال»، «گازپروم» و «پتروناس» به عنوان شرکتهای مستقل حضور دارند و این قرارداد از نظر حقوقی و تفسیر کلی شورای نگهبان قرارداد دولت با دولت محسوب نمی‌شود.<sup>۲</sup>



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## مبحث دوم ( مقایسه با مکانیسم‌های مشابه در جهان<sup>۱</sup>

“اصولا در تعریف ذخیره نفتی مشترک بین‌المللی گفته می‌شود: یک میدان یا ساختمان زمین‌شناسی یگانه نفتی که در قسمت زیرین قلمرو سرزمینی دو یا چند دولت اعم از خشکی یا دریا واقع می‌باشد.”<sup>۲</sup>

“تا ابتدای دهه ۸۰ این موضوع بیشتر یک مبحث علمی محسوب می‌شد تا موضوعی که بالفعل و تجاری گردد زیرا که کشف چنین منابعی تابع معاهده خاصی نبود و بیشتر در آثار حقوق ناشی از معاهدات شخصی دولت‌ها می‌توان آنرا پی‌گیری نمود مانند معاهده منعقد سال ۱۹۶۰ در خصوص ذخائر مشترک واقع در بستر رودخانه «Ames» ما بین آلمان و هلند و یا معاهده‌ای در همان سال ما بین چکسلواکی و اتریش در منطقه مرزی «Zwernsdorf Vysoka» چندی نگذشت که از نحوه تقسیم و بهره‌برداری مشترک در سه ذخیره مشترک تجاری نفت و گاز واقع در مرز مشترک فلات قاره نروژ و انگلستان به نامهای «Frigg»، «Statj Ford» و «Murichson» و انعقاد معاهداتی در خصوص نحوه تقسیم و بهره‌برداری سالهای ۱۹۷۶-۱۹۷۹ و ۱۹۸۱ اهمیت موضوع از جنبه آکادمیک علمی آن به یک موضوع تجاری و بالفعل تبدیل شده و دارای خصیصه‌های مشخص بین‌المللی گردید.”<sup>۳</sup>

اما بر خلاف منابع جامد واقع در میان مرزهای بین‌المللی که می‌توان آنها را طبق مرزهای خاص جغرافیایی به سهولت تعیین نظام حقوقی و استخراج نمود، منابع معدنی چون نفت که مایعی دارای خاصیت مهاجرت، غیر جامد، غیر قابل تقسیم است و با حفر کانالهای متعدد بدون اینکه نیازی به ایجاد هماهنگی بین این منابع نفتی باشد دولتها قادرند به نفع خود و بدون رعایت حقوق طرف مشترک به طور یکجانبه از این معادن سیال متحرک بهره‌برداری یکطرفه نمایند. لذا جهت جلوگیری از وقوع اختلاف بین دول ذی‌نفع و ایجاد رقابت‌ها بین آنان نظریه‌هایی ابراز می‌گردد همچنانکه «اونوراتو» در مقاله خود تحت عنوان «تقسیم یک ذخیره نفتی مشترک بین‌المللی» آنرا با سه راهکار به شرح زیر تقسیم‌بندی کرده است:

(۱) قواعد و مقررات حقوق داخلی کشورها

(۲) قواعد و مقررات حقوق بین‌المللی مربوط به تقسیم منابع طبیعی مشترک بین‌المللی که دارای خواص فیزیکی شبیه و قابل قیاس با منابع نفتی باشند.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۳) اصول و قواعد ریشه‌دار در عملکرد دولت‌ها که تا کنون به عنوان «اصول کلی» عمل شده و مورد پذیرش قرار گرفته است چون منعکس کننده *Opinio Juris* (اعتقاد حقوقی) دولت‌ها در این موضوع می‌باشد.<sup>۱</sup>

گفتار اول: شیوه توسعه مشترک منابع نفت و گاز

به طور کلی شیوه‌های بهره‌برداری و توسعه منابع مشترک نفت و گاز با اصطلاح کلی «*Joint development*» یعنی «توسعه مشترک» می‌باشد که به طرق مختلف ذیل صورت می‌گیرد.

۱- از طریق ایجاد معاهدات مشترک بهره‌برداری که از اواخر دهه ۱۹۵۰ برای اولین مرتبه در خلیج فارس منعقد گردید و سپس با معاهداتی نظیر بحرین/ عربستان به سال ۱۹۵۸، عربستان/ کویت به سال ۱۹۶۵ که در خصوص منطقه بی‌طرف که هم در ساحل و هم در دریای مشترکشان امتداد دارد و به موجب معاهده «*Aluquair*» منعقد در سال ۱۹۲۲ دو دولت دارای سهام مساوی در مالکیت مشترک و بدون تقسیم منطقه و منابع موجود در آن بودند صورت گرفت. معاهده قطر/ابوظبی به سال ۱۹۶۹ و معاهده ایران/ شارجه ۱۹۷۱ پس از آنکه انگلیسی‌ها از جزایر سه گانه واقع در خلیج فارس رفتند نفت جزیره ابوموسی که بین شارجه و ام‌القرین تقسیم شده بود با حاکمیت یافتن ایران ضمن انعقاد یادداشت تفاهم سال ۱۹۷۱ سهم ایران ۵۰ درصد از منابع میدان نفتی مبارک و سهم شارجه ۳۵ درصد و ام‌القرین ۱۵ درصد باقیمانده منتفع شدند در مورد بهره‌برداری از منابع نفت جزیره نیز طبق توافقات بعمل آمده تا موقعی که درآمد شارجه از ذخایر فوق به ۳ میلیون دلار برسد.<sup>۲</sup> شارجه سالانه ۱۵۰ هزار دلار از ایران دریافت میکرد در سایر نقاط جهان نیز می‌توان به معاهده ژاپن/ کره جنوبی ۱۹۷۴ در خصوص تنگه کره در قسمت جنوبی فلات قاره مجاور دو کشور و همچنین معاهده فریج ۱۹۷۶ بین انگلستان/ نروژ که این معاهده متعاقب ماده ۴ معاهده تحدید حدود فلات قاره بین دو کشور متعهد که در سال ۱۹۶۵ منعقد گردید اشاره نمود.

گفتار دوم: شیوه تعیین یک مقام مشترک

در این روش دو دولت کلیه حقوق و امتیازات خود را به یک مقام مشترک که دارای حقوق و اختیارات طبق حقوق بین‌الملل محسوب می‌گردد اعطا می‌نمایند.

بهترین نمونه این شیوه یادداشت تفاهم تایلند و مالزی در سال ۱۹۷۹ می‌باشد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

یا یک دولت اداره عملیات توسعه مشترک را با پرداخت یک سهم از درآمد دولت دیگر به عهده دارد این روش که ساده‌ترین راه می‌باشد و امکان دارد یک کمیسیون مشترک از نمایندگان دو دولت تشکیل و این دو کمیسیون کلیه اختیارات را به نمایندگی به دولت مدیر بدهند.

یا با اتخاذ شیوه‌های «ازکن دومینیون» مالکیت مشترک، اجاره داری مشترک یا اشتراک منابع اعمال می‌شود، به موجب این روش که بدون هیچ تقسیمی در جای‌جای این منطقه صورت می‌گیرد، هر یک از طرفین دارای حقوق حاکمیت مساوی در کل منطقه و منابع واقع در آن می‌باشند که نمونه این شیوه معاهده منعقد ۱۹۲۹ بین کویت و عربستان در مورد منطقه بی‌طرف است. طبق این معاهده، منطقه بی‌طرف ملک مشترک دو طرف و به هر یک از دو دولت «نیمی از سهم تقسیم نشده نفت زیرزمینی» و «پنجاه درصد نفت تولید شده در منطقه بی‌طرف» اختصاص داده شده.

میوشی معتقد است مفهوم توسعه مشترک بین‌المللی به یک شکل یکسان و هماهنگ نیست. او توسعه مشترک را یک اصطلاح کلی می‌داند که طیفی است گسترده که از یونیتی‌زیشن منابع مشترک میان مرزی گرفته تا بهره‌برداری یک جانبه از منبع مشترک واقع در میان مرزهای بین‌المللی را در بر می‌گیرد و سلسله مراتبی بین این دو را یک اصطلاح کلی می‌داند.<sup>۱</sup>

## گفتار سوم: شیوه عملیات به روش *Unitization*

اولین بار این اصطلاح در توسعه صنعت نفت آمریکا اعلام شد و معنای تحت‌اللفظی آن این چنین می‌باشد که «هر یک از عوامل ذی‌نفع در یک منبع مشترک منافع جداگانه خود را در قالب یک (یونیت) ناحیه واحد برای اداره مشترک آن واحد و تقسیم تولید و تقسیم بهره‌برداری از آن ناحیه مطابق سهمی که در «یونیتی‌زیشن» برای هر یک معین شده مجتمع می‌سازد و در جریان این اشتراک منافع همه فرآیند از قبیل میزان تولید، نصب تجهیزات و سکوها، تعداد و فضای مورد نظر توسط یک کارگزار واحد تنظیم می‌گردد تا حداکثر بهره‌برداری از چاهها تضمین گردد.»<sup>۲</sup>

از مجموع توضیحات فوق در یک نظر گاه کلی این آخرین شیوه بیش از همه مد نظر مالکین یک حوزه نفتی مشترک می‌باشد زیرا همانگونه که در این مبحث با استناد به موارد عملی می‌توان دریافت تا به حال هیچ رویه حقوقی پایه‌ای در مورد توسعه میداین و ذخایر نفت و گاز مشترک بین‌المللی بصورت واحد موجود نبوده است و تنها اتفاق نظر دولتهای مالک یک مخزن مشترک و رسیدن به یک توافق می‌تواند از بسیاری مسایل بی‌ارزش و مذاکرات بیهوده بعدی جلوگیری کرده و در عوض منجر به حداکثر بهره‌برداری و افزایش تولید که متناسب با ظرفیت برنامه توسعه ویژه هر میدان نفت و گاز می‌باشد به اجرا درآید و



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

همانند منطقه آمریکا به منظور مقابله با اعمال قاعده تصرف «capture rule» که منجر به انجام حفاری‌های بی‌مورد و بهره‌برداری‌های مسرفانه گردیده است با ارزیابی اولیه منبع (شامل برآورد ساختاری زیرزمینی و میزان ذخیره و تقسیم ذخایر قابل تولید و ارزیابی منظم از ذخایر موجود و تسهیم) آنها دارای نتایج موفقیت‌آمیزی بوده است.

## نتیجه‌گیری

اصولاً هیچ قراردادی به خودی خود، خوب یا بد نیست، بلکه نوع یک قرارداد نفتی فقط نشانگر چارچوب و پیمان‌های می‌باشد بمنظور تقسیم منافع که از یک همکاری ایجاد شده بدست می‌آید، این همکاری سندی دارد که به آن «قرارداد» می‌گویند پس در این صورت، اینکه چه نوع قراردادی تحت چه شرایطی بتواند منافع هر یک از طرفین قرارداد را تأمین کند و به بیان دیگر این واقعیت که ظرف قرارداد با چه مظلوفی پر خواهد شد به عوامل متعددی بستگی دارد<sup>۱</sup>، در نتیجه قرارداد محصول این عوامل متعدد می‌باشد. شرکت‌های نفتی و کشورهای میزبان با توجه به شرایط متفاوت به انعقاد یکی از این انواع متفاوت قرارداد علاقه‌مندی نشان می‌دهند، اماگرایش به عقد «این» یا «آن نوع قرارداد» لزوماً به معنای بهترین نوع انتخاب شده، نمی‌باشد.

## فهرست منابع

- ۱- اخوی، احمد، «تجارت بین‌الملل، استراتژی بازرگانی و توسعه اقتصادی»، ناشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران ۱۳۹۳.
- ۲- روحانی، فؤاد، «تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران»، چاپ دوم، ناشر: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۹۳.
- ۳- الجبیر الصباح، سالم، «امارات، خلیج فارس و مسئله نفت»، ترجمه علی بیگدلی، انتشارات میراث ملل، تهران، ۱۳۸۸.
- ۴- چرچیل، رابین و آلن‌لو، «حقوق بین‌الملل دریاها»، ترجمه بهمن آقایی، نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۸۷.
- ۵- حمیدی، رضا، «نفت و بحران انرژی»، چاپ دوم، سازمان انتشارات کیهان، تهران، زمستان ۱۳۹۳.
- ۶- حسنی، علی «درس‌هایی از داوریه‌های نفتی»، انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل ریاست جمهوری، تهران ۱۳۹۶.
- ۷- عیسوی، چارلز، «تاریخ اقتصادی ایران (۱۹۱۴-۱۸۰۰)»، ترجمه یعقوب آژند، نشر گستره، تهران، ۱۳۸۲.



Horigan, E. Jamze. “ Unitization of Petroleum Reservoirs Estuarine Across Subsea Boundary... , (۱۹۷۴) ۷ Natural Resources lawyer.

Mioshi, M. “The Basic Concept of Joint Development of Hydrocarbon Resources in the Continental Shelf” (۱۹۸۸) ۳ Int’ ۱ journal of Extuarine Coastal Law.

Onorato, T. William, “Apportionment of an International Common Petroleum Deposit” (۱۹۷۷) ۲۶ International and Comprative law Quarterly.